

## تکثرگرایی فرهنگی بر خط (آنلاین)

(اینترنت و تنگناهای سیاست تکثر فرهنگی)

نوشته یوژنی سیاپرا  
ترجمه علی علی آبادی

### چکیده

این مقاله به سیاست تکثرگرایی فرهنگی در مواجهه با اینترنت می‌پردازد. در مقاله حاضر، مواضع هنجاری متفاوت در باب تکثرگرایی فرهنگی (در آثار چارلز تیلور، یورگن هابرماس، جرمی والدرون و نانس فریزر) از لحاظ نظری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا، سه تنگنای اصلی نمایان می‌شود: ذات‌گرایی یا تغییرپذیری هویتها؛ عام‌گرایی یا خاص‌گرایی؛ و بازشناسی یا باز توزیع. این تنگناها به‌طور تجربی و سپس از طریق درگاه‌های برخط که توسط چهار اجتماع اقلیت در انگلستان توسعه یافته است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. هشت درگاه که به‌وسیله بریتانیایی‌های سیاه پوست، هندیها / اهالی جنوب آسیا، چینیه‌ها و اجتماعات مسلمانان توسعه یافته‌اند، با این دیدگاه تحلیل شدند که چگونه این تنگناها در محیط‌های برخط درک می‌شود، و افراد چگونه پابند این تنگناها می‌شوند تا گونه‌ای جدید از رفتار سیاسی روزمره را بروز دهند. این تحلیل بر مخاطبان / طرف‌گفت‌وگوها، شکل‌های ارتباطی و کاربران متمرکز شد تا نشان دهد که تمام تنگناهای تکثر فرهنگی به‌صورت برخط به‌اجرا در می‌آیند. این مقاله، در پی مدل مجادله‌ای سیاست، این‌طور بیان می‌کند که سیاست تکثرگرایی فرهنگی باید به‌عنوان جولا نگاهی فراخ برای به‌چالش‌طلبیدن این تنگناها درک شود.

چگونگی مدارا با دیگران بسان تنگنایی اساسی برای نظریه‌دانشگاهی و کنش سیاسی برجای مانده است. نویسنده مقاله حاضر، مدعی نیست که در این خصوص، پاسخی خاص در آستین دارد. با این وجود، وی به کمک تحولات اخیر در نظریه سیاسی اظهار می‌دارد که فقدان هر گونه راه حل مشخص در این باب، تضمین‌کننده نوعی سعه‌صدر و تکثرگرایی است که شخص را با سیاست دموکراتیک همراه می‌کند. این اظهار نظر، منبعث از الگوهای مجادله‌ای مردم‌سالاری (موفه، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰؛ تیولی، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰) و استدلال‌شان در این مورد است که نزاع مستمر می‌تواند ابزار تضمین مردم‌سالاری باشد. در واقع، با نگاهی گذرا به شیوه‌هایی که «اقلیتها» سیاست‌شان را از طریق نزاع‌های اینترنتی هدایت می‌کنند، این نکته مشخص می‌شود که نه ضرورتی برای تعطیلی فعالیتهای گروه‌های اقلیت وجود دارد و نه دلیلی منطقی جهت سوق دادن سیاست‌شان به سمت وسویی خاص.

در محاسبات سیاسی نظری مربوط به تکثرگرایی فرهنگی، دست کم سه تنگنا وجود دارد که نشان‌دهنده ابعاد متفاوت چالش‌های زندگی مشترک است: ۱. تناقض بین تمایل به تصدیق تفاوت و نتایج بالقوه منفی چنین تصدیقی، مانند مادی و ذاتی ساختن هویتها؛ ۲. نحوه تطبیق تفاوت با عام‌گرایی که ممکن است برای زندگی سیاسی، امری ضروری باشد؛ ۳. وجود منطقی متناقض که هم متضمن درخواستهایی برای بازشناسی است (که مبتنی بر تفاوت است) و هم متضمن درخواستهایی برای بازتوزیع (که مبتنی بر برابری است). در حالی که نظریه‌پردازان درگیر در این بحثها، مثالهایی از دنیای واقعی ارائه می‌کنند، در اکثر موارد، با اصطلاحاتی بسیار انتزاعی با این بحث برخورد می‌شود. از این گذشته، این مثالها اغلب نمونه‌هایی استثنایی بوده‌اند که یا تیتراهای رسانه‌ها بوده‌اند و یا از پرونده‌های تاثیرگذار دادگاهها استخراج شده‌اند. این امر موجب بی‌اعتنایی به سایر انواع سیاستها (که به عنوان سیاستهایی بسیار یکنواخت و پیش پا افتاده توصیف شده‌اند) شده است؛ بدین معنی که این سیاستها به بخشهای غیررسمی و غیرسازمان یافته زندگی مربوط هستند. بی‌اعتنایی به سیاستهای پیش پا افتاده، نقطه ضعفی را در درک ما از تکثرگرایی فرهنگی و تنگناهای آن ایجاد کرده است؛ نقطه ضعفی که فقط از طریق بررسی کاربست عملی این سیاستها در فضاهایی که عمومی تلقی می‌شود، می‌توان آن را برطرف کرد. در این جاست که ارتباط اینترنت [سیاستهای تکثرگرایی فرهنگی] نمایان می‌شود.

اینترنت به مثابه فضایی عمومی برای مطالعه سیاستهای «یکنواخت»، ممکن است بتواند در بحثهای مربوط به تکثرگرایی فرهنگی سهم شود. با فرض این که وسایل ارتباط جمعی آستانه تحمل بالایی در برابر سیاستهای اقلیتها دارند، و از آن جا که اکثر شیوه‌های دیگر سیاستهای غیر رسمی به سادگی به عنوان فضای عمومی تلقی نمی‌شود، اینترنت، علی‌رغم مساله شکاف (نابرابری) دیجیتال (رقمی)، گزینه‌ای ایده‌آل به نظر می‌رسد. با وجود بحثهای داغ و هیجان انگیز ملهم از فناوریهای نوین، رابطه اینترنت با سیاست مبهم‌تر از همیشه باقی می‌ماند. در پرتو چنین بحثهایی، می‌توانیم مطالعه هدایت عملی سیاست برخط را به عنوان نقشی برای درک اینترنت (و در این مورد، رابطه اینترنت را با سیاست تکثرگرایی فرهنگی) مورد ملاحظه قرار دهیم. بدین ترتیب، پژوهش حاضر بر آن است که این سؤال مشخص را کانون توجه خود قرار دهد: اقلیتها در شبکه جهانی اینترنت، درگیر چه نوع سیاستی می‌شوند؟ و این وضعیت، در پرتو تنگناهای تکثرگرایی فرهنگی چگونه می‌تواند درک شود؟ سپس به منظور برقراری ارتباط بین پاره‌ای از بحثهای مربوط به تکثرگرایی فرهنگی و دنیای واقعی، پرسش تجربی طرح شده در این تحقیق، به شناسایی دامنه کاربردهای برخط - که می‌تواند سیاسی تلقی شود - می‌پردازد. تمرکز بر «یکنواختی یا پیش پا افتادگی» حاکی از گسترش عرصه سیاسی است که به گونه‌ای بسیار کلی، تمام عناصر زندگی همگانی و زندگی اشتراکی را در بر می‌گیرد.

این تحقیق درگاههای چهار نوع از اجتماعات اقلیت در انگلستان را شامل می‌شود: اجتماعات جنوب آسیا، سیاهان، چینیها و مسلمانان. چشم‌گیرترین یافته تحلیل حاضر آن است که این پایگاههای اینترنتی می‌کوشند تا اجتماعات اقلیتها یا جماعت‌های منفرد را، به شیوه‌ای که از لحاظ فرهنگی بسته تلقی می‌شود، آدرس‌دهی کنند و نمایش دهند، و از این رهگذر، تاریخ و فرایند شکل‌گیری اجتماع را با تمام محرومیتها، ذات‌گرایی‌ها و شکلهای ساده شده‌اش تکرار کنند. اگرچه، به خاطر ویژگی فضای سایبر که مخالف ایجاد مرزهای شفاف است، آنها نمی‌توانند چنین کاری را انجام دهند - و این بخشی از همان یافته را به دست می‌دهد. اکنون بسی زود است که برای این وضعیت جشن بگیریم زیرا در پرتو تنگناهای تکثرگرایی فرهنگی، «مقاومت» نامناسب به نظر می‌رسد. افزون بر این، از نظر بحثهای مربوط به تکثرگرایی فرهنگی، این یافته‌ها نشان می‌دهد که وجود انواع گوناگون سیاستهای برخط، همراه با صرف نیروی خود برای به زیر سؤال بردن دیدگاه سیاست اقلیت، منجر به پیشرفت بحثهای تکثرگرایی فرهنگی شد، به طوری

که عمدتاً به تشکیل و پیشبرد ادعاها می‌پردازد. گسترش سیاست تکثر فرهنگی مورد حمایت اینترنت با تأکید بر تکثرگرایی فرهنگی در عرصه‌های مغفول در بحث‌های نظری سیاسی و به‌ویژه، در مورد ضرورت سیاسی تأمین خط‌مشی مبارزات مقدم بر شکل‌گیری و توجیه ادعاها، به تعدیل مشخص بحث تکثرگرایی فرهنگی منجر می‌شود. این استدلالها، نخست از طریق مذاکرات مربوط به تکثرگرایی فرهنگی و دوم، از طریق تحلیل پایگاه‌های اینترنتی یا درگاهها آشکار خواهد شد.

### بحثهایی در باب تکثرگرایی فرهنگی

تعریف ساده‌ای که به موجب آن، تکثرگرایی فرهنگی به مسأله نحوه مواجه شدن با ناهمگنی مربوط می‌شود (ورنر ۲۰۰۲)، پیچیدگی مسائل درگیر را به غلط ترسیم می‌کند. سه تنگنای تکثرگرایی فرهنگی که در مقدمه این مقاله به‌طور تلویحی مورد اشاره قرار گرفت، دشواریهای رویاروی آدرس‌دهی این‌گونه ناهمگنی را، به شیوه‌ای رضایت‌بخش از لحاظ سیاسی و به شیوه‌ای شفاف از لحاظ نظری، تأیید می‌کند. در این بخش از مقاله، تنگناهای سه‌گانه مورد بحث قرار می‌گیرد؛ بخشی که به‌خاطر سهم دوگانه شفافیت و اختصار، پیرامون آثار نظریه پردازانی خاص (کسانی که تنگناها به‌طور مستقیم در آثارشان بیشتر اعلام می‌شود و بیشتر نشان داده می‌شود) بسط خواهد یافت. تنگنای ذات‌گرایی در مقابل تغییرپذیری در آثار چارلز تیلور ([۱۹۹۲] ۱۹۹۴) مورد بحث قرار می‌گیرد؛ یورگن هابرماس (۱۹۹۸، ۱۹۹۴) و جرمی والدرون (۱۹۹۹) به‌عنوان معرفی‌کنندگان دو قطب از بحث عام‌گرایی در مقابل خاص‌گرایی مورد توجه قرار می‌گیرند؛ و سرانجام، بحث بازنشاسیدباز توزیع از آثار نانسی فریزر (۱۹۹۷، ۲۰۰۰) برگرفته می‌شود. هدف این بخش از مقاله آن است که رئوس کلی مطالب بیان شود، بحث حاضر مورد نقد و بررسی قرار گیرد و در نهایت، پیشنهادی در این زمینه ارائه شود. با این وجود، این‌گونه بحث‌های نظری، پیچیدگیها و دشواریهای با هم زندگی کردن و بی‌عدالتیهای را که مردم متحمل می‌شوند، به‌درستی خاطر نشان می‌کند، و همچنین در این مورد مصداق پیدا می‌کند که با هم زندگی کردن را به‌گونه‌ای کما بیش موفقیت‌آمیز اداره کنیم؛ این امر حاکی از آن است که مشاهده شیوه‌هایی که سیاست روزمره بر اساس آنها هدایت می‌شود، چه بسا بینش‌هایی جدید در مورد تنگناهای تکثرگرایی فرهنگی فراهم کند.

## ذات‌گرایی یا تغییر پذیری

همان‌گونه که می‌دانیم، در بسیاری از زمینه‌ها، مقاله تأثیرگذار چارلز تیلور در باب سیاست بازشناسی (۱۹۹۴ [۱۹۹۲]) دارای نقطه شروعی ساده در مورد تکثرگرایی فرهنگی است. تیلور با الهام از هگل معتقد است که هویت خویشتن از طریق انعکاس هویت دیگران و بازشناسی متقابل ساخته می‌شود. بازشناسی غلط یا ناتوانی در بازشناسی هویت‌های معین، موجب ظلم و بی‌عدالتی می‌شود و به حاملان این گونه هویتها اجازه نمی‌دهد تا به‌عنوان کسانی که از ارزشی یکسان برخوردار هستند، به‌طور کامل در جامعه مشارکت داشته باشند. بازشناسی کامل باعث می‌شود تا هویتها و ارزشهای فرهنگی‌ای که به غلط بازشناسی شده‌اند، دیدگاههای اخلاقی و شیوه‌های زندگی این افراد، با شأن و ارزشی برابر تطبیق داده شود، و از این رهگذر، شرافت مساوی و حق زیستن به شیوه درست به حاملان این گونه هویتها اعطا شود. در این ارتباط، یک مسأله قابل توجه وجود دارد: تا جایی که یک گروه فرهنگی به‌عنوان تجسم هویتی تلقی می‌شود که باید بازشناسی شود و تا جایی که بازشناسی گروه‌ای آن مسی ارائه می‌شود، این هویت به شیوه‌ای ذات‌گرایانه درک می‌شود، یعنی همه افراد، این هویت را به شیوه‌ای یکسان دارای معنای ثابت و پایدار تلقی می‌کنند. این موقعیت نه تنها از لحاظ نظری به‌خاطر بی‌اعتنایی‌اش به تاریخی بودن و تغییر و اتخاذ هستی‌شناسی ابتدایی چیزها یا اشخاص بهره‌مند از هستی، مشکل است، بلکه از لحاظ سیاسی هم مشکل است زیرا اشخاص را برای همیشه در بند ننگه می‌دارد. این دیدگاه ایستا، ذات‌گرا و شبه بنیادگرا در مورد هویتها در گزارشهای اخیر، مانند آینده بریتانیای چند قومی (پارخ، ۲۰۰۰) تصحیح می‌شود؛ کشوری (بریتانیا) که اجتماعات و هویت‌هایشان نه به‌عنوان اجتماعاتی خوداتکا و نه به‌عنوان اجتماعاتی پایدار و ثابت تلقی نمی‌شوند. این اجتماعات، شکل‌بندی‌هایی باز و پرمفد هستند (۲۰۰۰: ۳۷). با وجود این، پذیرش تغییر پذیری بدون مشکلات مربوط به آن، امکان پذیر نیست؛ اگر بپذیریم که مرزها نفوذ پذیرند، و تعریفها در حال تغییر هستند، چگونه سیاست یک اقلیت می‌تواند درک و پیگیری شود؟ اگر تعلق و مرزها به‌طور مستمر تنظیم شود، چگونه منافع اقلیت می‌تواند مورد حمایت و تایید قرار گیرد؟

## عام‌گرایی یا خاص‌گرایی

از سوی دیگر، تفاوت بسیار زیاد به‌عنوان موقعیتی در شیوه « پیوستگی اجتماعی » تصور می‌شود. تا جایی که اجتماعات دچار واگرایی می‌شوند و به میزان هر چه کمتر بوسیله ارزشها و ایده‌آلهای مشترک به هم متصل می‌شوند، بازشناسی تفاوت به امری بغرنج تبدیل می‌شود. برای مثال، گزارش کنترل در مورد پیامدهای شورشهای نژادی در بریتانیا در تابستان ۲۰۰۱ توصیه می‌کند که اجتماعات اقلیت، پذیرش بیشتر نهادهای ملی اصلی را افزایش دهند (کنترل، ۱۹: ۲۰۰۱). این همان تنگنای عام‌گرایی در مقابل خاص‌گرایی است. آیا پذیرش مجموعه کلی ارزشها، شرط ضروری با هم زیستن است؟ براساس نظر هابرماس، این برای کسانی است که خصوصیات عام مشخص و ارزشهای شان برای سیاست دموکراتیک در یک جامعه چند فرهنگی، هم دارای واقعیت تجربی و هم دارای ضرورت هنجاری است. هابرماس استدلال می‌کند که سیاست بازشناسی باید «فرد را در بافت زندگی‌ای که هویتش در آن شکل می‌گیرد، مورد حمایت قرار دهد» (۱۱۳: ۱۹۹۴) و بدین وسیله، تفاوت در عرصه فرهنگی را بپذیرد. با این وجود، برای این که یک جامعه دموکراتیک بتواند کارکردهای خویش را به‌طور مؤثر ایفا کند و فقط این توانایی را بدست آورد که در سطحی برابر با دیگران در عرصه عمومی سیاسی مشارکت ورزد، اجتماعات تشکیل دهنده آن جامعه باید زبان سیاسی مشترک و پیمانها را فراگیرند. بدین ترتیب، هابرماس دو قطبیهایی بین عرصه فرهنگی (جایی که تفاوت مقبول است) و عرصه سیاسی (جایی که ارزشهای مشترک در بین همه افراد باید توزیع شود) ایجاد می‌کند. حتی اگر مردم از لحاظ اخلاقی یا فرهنگی اعضای یک اجتماع مشابه نباشند، آنها باید « وطن پرستانی طرفدار حاکمیت قانون » باشند. این تأکید بر نیاز به ارزشهای عموماً مشترک، همانند نیاز به سیاست برای جوامع معاصر (که به‌وسیله وابستگی‌های متقابل فزاینده مشخص می‌شوند) توسط جرمی والدرون مورد مناقشه قرار می‌گیرد. چنین جوامعی با صیانت از اجتماعات متفاوت و منفرد قابل قیاس نیستند اما تا حدودی باعث می‌شوند که اجتماعات و افراد این گونه اجتماعات با یکدیگر درآمیزند. این موضع ضدذات‌گرا بیشتر توسط والدرون (کسی که استدلال می‌کند که دلیلی وجود ندارد تا وفاداری پیشاپیش به مجموعه‌ای معین از ارزشهای مشترک را بپذیریم) اتخاذ می‌شود؛ تا حدی، دقیقاً بخاطر این تکتگراییها و اجتماعات است که مردم علاقه و نقشی عمده در حمایت از زندگی و سلامت مستمرشان دارند. به معنای دقیق کلمه، هرچارچوب مشترک برای زندگی باید در قالب قوانین

مثبت طراحی شود (والدرون، ۱۹۹۹): یعنی در پی یک جامعه چند فرهنگی رفتن به جای جلوتر از آن حرکت کردن.

### بازشناسی یا بازتوزیع

موضع ضد ذات‌گرایی رادیکال والدرون به اندازه جذابیتش، مسحورکننده است اما تجلیل او از آمیختگی و جهان وطن‌گرایی در برابر بی‌عدالتیها و تبعیضی که به وسیله اجتماعات معین ایجاد شده است، سرشار از یاوه‌گویی است. این تأکید بر عدالت اجتماعی در اثر ناندی فریزر مهم است (۱۹۹۷، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱). فریزر معتقد است که تکثرگرایی فرهنگی در برگیرنده دو بُعد متفاوت است: بازشناسی و بازتوزیع. فریزر نوعی «دو قطبی‌گرایی در دیدگاه» را تحمیل می‌کند که در آن بی‌عدالتیها به دو شکل فرهنگی و اقتصادی رخ می‌نمایند، در نتیجه، راه‌حلهای جبرانی متفاوت الزامی می‌شود. او سیاست آزادسازی بازشناسی را پیشنهاد می‌کند تا بی‌عدالتیهای فرهنگی و بازشناسی غلط هویت‌های معین را بیان کند و سیاست مساوات طلبانه توزیع را توصیه می‌کند تا نابرابریهای اقتصادی‌ای را هدف قرار دهد که شالوده جوامع کنونی را تشکیل می‌دهد. در حالی که سیاست آزاد سازی بازشناسی متکی به راهبردها و رویه‌های فرهنگی ساختارشکنانه است، سیاست مساوات طلبانه توزیع، ایجاب‌کننده سیاست اقتصادی سوسیالیستی است. بدین ترتیب، فریزر در همان حال که وضعیتی دو قطبی ایجاد می‌کند، تلاش می‌کند تا بینشهای مربوط به چرخش زبانی و تأکیدش بر فرهنگ را با دانش مارکسیستی در طرح مسائل عدالت اجتماعی ترکیب کند و بدین سان، از دو قطبی بین اقتصاد و فرهنگ فراتر رود. بنابراین، تکثرگرایی فرهنگی باید زمینه کاربرد رویه‌های مساوات طلبانه سوسیالیستی و بینشهای ساختارشکنانه را فراهم کند. با این وجود، راه حل هوشمندانه فریزر، دقیقاً به خاطر ایجاد حالت دو قطبی بین امور اقتصادی و فرهنگی به گونه‌ای گسترده مورد انتقاد قرار گرفته است (باتلر، ۱۹۹۸؛ یانگ، ۱۹۹۷). اگرچه، او تلاش می‌کند تا نشان دهد که این حالت دو قطبی فقط یک تمایز تحلیلی است، با این وجود، تمایز تحلیلی یاد شده، دو عرصه اقتصادی و فرهنگی را تجسم مادی می‌بخشد و سبب نادیده گرفتن شیوه‌هایی می‌شود که به موجب آن، این دو قطبها به گونه‌ای تفکیک‌ناپذیر در هم تنیده می‌شوند. در این مورد، چیزی که در بادی امر، ممکن است سیاست — ساختارشکنانه بازشناسی (برای مثال، جنسیت «مورد تنفر») را الزامی کند، در واقع ممکن است ناشی از تقسیم نابرابر کار باشد (مانند سرمایه

گذاری نظام سرمایه داری در زمینه ناهمجنس گرایی - رجوع شود به باتلر، ۱۹۹۸). برعکس، یاز (۲۰۰۱) استدلال می‌کند که منطق توزیع شامل منطق بازشناسی می‌شود همچنان که بی‌عدالتیهای اقتصادی و در نتیجه، بی‌عدالتیهای شناختی، هنوز مسائلی اخلاقی هستند. اما آیا این امر دلالت بر این دارد که این گونه نابرابریهای اقتصادی تنها از طریق افشای شالوده‌های اخلاقی یا غیر اخلاقی می‌تواند بیان شود؟ صرف نظر از دیدگاهی که شخص اتخاذ می‌کند، به نظر می‌رسد که تنگنای بازتوزیع و / یا بازشناسی ادامه می‌یابد. این توضیح مربوط به تنگناهای تکرگرایی فرهنگی، پیچیدگیهای متضمن با هم زندگی کردن و تکرر آرا، دیدگاهها، نظریه‌ها و هستی‌شناسیهای حاوی سیاست تکرگرایی فرهنگی را نشان می‌دهد. اگر چه، به جای تکرگرایی فرهنگی زیانبار، اصرار بر نکات مورد پرسش برای ناسازگاری آشکار بین تکرگرایی فرهنگی و تمرکز آن بر تفاوت و پذیرش تکرر، و قبول معرفت‌شناسی شخص یا حقیقت باید در بحثهای علمی (سیاسی / اجتماعی)، مانند تکرگرایی فرهنگی، حاکم شود. در این زمینه، استدلال حاضر از تیولی (۲۰۰۰) پیروی می‌کند که بر اساس آن، به جای در اولویت قرار دادن درگیری بر سر رویه‌های تکرر فرهنگی و نظریه‌های عدالت (پیرامون مسائل دیگر)، شخص باید بر خود درگیرها متمرکز شود. از نظر تیولی، هدف نباید «کشف و مشروط‌سازی افراد عادل و وضعیت نهایی ... باشد بلکه باید تضمین کند که بازیهای رنج آور و غیر قابل حذف دموکراتیک، با حداقل سلطه، بتواند به آزادی ایفا شود.» (۴۶۹: ۲۰۰۰). دعوت به تمرکز بر نزاعهای فرهنگی در این مقاله به‌طور جدی پیگیری می‌شود. قسمت تجربی مقاله حاضر که در زیر می‌آید - در صدد است شیوه‌هایی را که اقلیتها بر اساس آنها سیاست تکرر فرهنگی روزمره‌شان را در فضای سایبر هدایت می‌کنند، به‌طور مجمل بیان کند.

### رویه‌های تکرر فرهنگی بر خط

جدی گرفتن دستور تیولی بدین معناست که لازم است دست کم یکی از خط‌مشیهای درگیرهای تکرر فرهنگی را درک کنیم. خط‌مشی‌ای که در اینجا گزینش شده است، اینترنت یا شبکه جهانی وب است که فرصتی استثنایی فراهم می‌کند تا ارتباطات داخلی اجتماعات و ارتباطات بین اجتماعات و تقاضاها و ادعاهای پیگیری شده، به اندازه نوع سیاست روزمره‌ای که در این جا سودمند است، مورد مشاهده قرار گیرد. در این تحقیق چهار اجتماع اقلیت برگزیده شدند: سه اقلیت قومی پر جمعیت در انگلستان (آسیاییها، سیاه‌پوستان و چینیه‌ها) و یک اقلیت مذهبی - اجتماع مسلمانان. علاقه نداریم تمام اجتماعات اقلیت و سیاست بر خط آنها را بررسی



کنیم، اما به جای آن می‌کوشیم تا نشانه‌ای از نوع سیاستی را که اقلیتها اعمال می‌کنند، فراهم کنیم و این می‌تواند در پرتو تنگناهای تکثرگرایی فرهنگی پیش گفته، مورد بحث قرار گیرد. این وب سایتها از طریق جست‌وجو در یک موتور جست‌وجو (گوگل) و با کاربرد کلمات کلیدی «آسیایی»، «سیاه پوست»، «چینی» یا «درگاه اجتماع مسلمانان انگلستان» و سپس انتخاب دو سایت ظاهر شده، برگزیده شدند. این سایتها عبارتند از: برفی کالچر و کلیک والادر خدمت اجتماع آسیای جنوبی مقیم انگلستان؛ بلک بریتین و بلک نت متعلق به اجتماع سیاه پوستان؛ سلام و یوکی این‌لامیک میژن مرتبط با اجتماع مسلمانان؛ بریتیش بورن چاینیز و چایناتاوان آنلاین پوشش دهنده امور مربوط به اجتماع چینیها.

نکته مهم این است که وب سایتهایی که در اینجا برای تحلیل گزینش شدند، درگاههای اینترنت بودند که یا متعلق به این اجتماعات اقلیت بودند و یا به وسیله آنها تهیه شده بودند. این بدان معناست که به جای نمایش سازمانهای آفلاین - که به صورت آنلاین نیز حضور دارند - این وب سایتها بدون هدفهای سیاسی از پیش تعیین شده، فقط به صورت آنلاین عمل کنند. یوکی این‌لامیک میژن که در واقع یک سازمان معروف مسلمانان بریتانیاست، فقط یک استثناست؛ با این وجود، وب سایت این سازمان مثل یک درگاه اینترنتی عمل می‌کند و به معنای دقیق کلمه، این وب سایت برای تحقیق حاضر، مناسب تشخیص داده شد. تمرکز بر تحلیل درگاهها باید مشاهده نوع سیاست روزمره فضای سایبر را امکان پذیر سازد.

پس از گزینش سایتها برای مشاهده، مسأله‌ای که موجب نگرانی می‌شود، شیوه برخورد با آنهاست. با توجه به این که نکته اساسی تحلیل حاضر، سیاست سایتهای اقلیتهاست، و با عنایت به این که سیاست این سایتها همیشه به طور ضروری بیش از یک مخاطب را در بر می‌گیرد، نخستین سؤال تحلیلی در برخورد با وب سایتهای مورد مطالعه این بود که «مخاطب شان کیست؟». مسأله دوم این است که شکل ارتباطات یا نحوه‌ای که مخاطبان به نمایش در می‌آیند، به همان اندازه مهم هستند زیرا شکل ارتباط، دامنه رویه‌هایی را که این وب سایتها در آن درگیر می‌شوند، تعیین خواهد کرد. سرانجام این که، دو مسأله تحلیلی فوق موجب پیدایش جنبه سوم هستند که به کاربران و بازدیدکنندگان واقعی مربوط می‌شود.

## مخاطبان

به نظر می‌رسد که این سایتهای سه نوع مخاطب دارند: عامه مردم، شامل افرادی است که عضو اجتماع اقلیت نیستند؛ جماعت اجتماعی شامل اعضای اجتماع است که در واقع «گروه هدف» سایتهای است؛ و جماعت تجاری که شامل کسانی است که می‌خواهند به وسیله وب سایتهای تجارت کنند. این دسته بندی با نگاهی به فن بیان و پیوندهای تهیه شده در صفحه نخست وب سایتهای تشخیص داده می‌شود؛ صفحه نخست وب سایت به عنوان ابزار جلب توجه و در نهایت، راهنمایی کننده کاربران، ارائه دهنده اطلاعات مقدماتی در باب وب سایت، بیان کننده منظور و هدفهای آن و عرضه کننده مهم ترین پیوندهای داخلی سایت عمل می‌کند (مراجعه شود به چان - اولمستد و پارک، ۲۰۰۰).

شاید عامه مردم باید گروهی از افراد را ایجاد کند که مخاطب محسوب نمی‌شوند. با این که عامه مردم به طور شفاف از زمره مخاطبان این سایتهای کنار گذاشته نمی‌شوند، تنها در نیمی از هشت وب سایت مورد بررسی در این تحقیق، افرادی که عضو اجتماعات اقلیت نیستند، به طور مستقیم مورد خطاب قرار می‌گیرند: سایت های برفی کالچر، بریتیش بورن چاینیز، چاینا تاون آنلاین و یوکی ایزلامیک میژن، همه شان از عامه مردم سخن به میان می‌آورند. دو سایت برفی کالچر و بریتیش بورن چاینیز در بخشی با عنوان «درباره ما» به بازدیدکنندگان خارج از اجتماع، به طور آشکار خوش آمد می‌گویند. تنها سایت یوکی ایزلامیک میژن به عامه مردم غیر مسلمان اشاره می‌کند و برای آنها اطلاعاتی را در باب اسلام در قالب کتاب قابل انتقال و پوشه های پی دی اف منتشر می‌کند که حاوی سؤال و جوابهایی در مورد اسلام است. سایت چاینا تاون آنلاین مقدار زیادی اطلاعات کلی در مورد چین و اجتماع چینی های بریتانیا به افراد خارج از اجتماع ارائه می‌کند. بقیه سایت ها - حتی اگر افراد خارج از اجتماع در آنها ظاهر شوند - فقط اعضای اجتماع شان را به طور مستقیم مخاطب قرار می‌دهند. اگرچه این آدرس عامه مردم خیلی القاکنده است، فقدان نسبی یک نشانی برای افراد خارج از اجتماع، به اندازه ایجاز آدرس موجود، در اینجا مهم است. به نظر می‌رسد که این فقدان، دارای الزاماتی مهم در باب سیاست تکثر فرهنگی است، همچنان که آن حاکی از نگاهی «خود محور» یا درون محور است. در این خصوص، به نظر می‌رسد که بی اعتنایی این وب سایتهای به عامه مردم سبب می‌شود تا این درگاههای اجتماعات اقلیت، تنگناهای تکثر فرهنگی را تکرار کنند، به ویژه آنهایی که به ایجاد قلمروهای بسته گروه

ملازم با مادیت، ابعاد خاص‌گرایی و بازشناسی سه تنگنا مربوط می‌شوند. این سایتها با تمرکز تقریباً انحصاری بر خودشان، برای نشان دادن غیرمستقیم و درگیرکردن افراد خارج از اجتماع ناراضی به نظر می‌رسند، و از این رهگذر، در تداوم مرزهای جداکننده اجتماعات نقش دارند. در نوع دوم مخاطبان، اکثریت پیوندهای تمام وب سایتها، اجتماع را به عنوان یک کل نشان دادند. با وجود این، برخی از پیوندها بخشهایی خاص از اجتماع، مانند زنان و جوانان را مخاطب قرار دادند. همچنان که قبلاً بیان شد، اجتماع به عنوان یک کل در صفحه اول سایت - که نوعاً به عنوان محیطی برای بقیه قسمت‌های سایت عمل می‌کند - نشان داده می‌شود. این آدرس اولیه دارای شکلی کلی است که شامل پیغام خوش آمدگویی و اطلاعاتی در باب سایت و هدفهای آن، همراه با فهرستی از پیوندهای داخلی و نیز مقولاتی از مطالبی است که بازدیدکنندگان می‌توانند دست به انتخاب آنها بزنند.

جماعت تجاری، نوع سوم مخاطب است که ممکن است علاقمند به تبلیغات در وب سایتها باشد. تمام این سایتها امکان تبلیغ را فراهم نمی‌کنند. سایت برفی کالچر به طور آشکار بیان می‌کند که سایتش را «عاری از بنرها و پاپ آپ‌های آزاردهنده» نگاه خواهد داشت، سایت‌های بریتیش بورن چاینیز و چاینا تاون آنلاین نیز هیچ تبلیغی منتشر نمی‌کنند. تمام سایت‌های بلک بریتین، بلک نت، کلیک والا، سلام و یو کی ایزلامیک میژن اقدام به نشر تبلیغ می‌کنند اما فقط بلک بریتین، کلیک والا و سلام به طور مستقیم از آگهی دهندگان درخواست آگهی می‌کنند و به نظر می‌رسد به گونه‌ای نامحسوس به این گونه درآمدها وابسته هستند. جماعت تجاری، جماعتی حاشیه‌ای یا فرعی به نظر می‌رسد زیرا تمام سایتها با وجود این که دارای فعالیت‌های تبلیغاتی هستند، درخواست دریافت آگهی ندارند و هیچ‌گونه محتوای خاصی (بجز خدمات دهی) را عرضه نمی‌کنند. از این نظر، مخاطبان اولیه تمام سایتها، به عنوان جماعتی در برگیرنده اعضای اجتماع باقی می‌مانند.

در این مرحله، به نظر می‌رسد چنانچه تکثرگرایی فرهنگی به عنوان سیاست با هم زندگی کردن تصور شود، این وب سایتها نمی‌توانند به عنوان خادمان این سیاست تلقی شوند. وب سایتها با تمرکز صرف یا عمده بر اجتماع‌شان، به نظر می‌رسد که سیاست جدایی‌طلبی و خاص‌گرایی را اجرا کنند، به این معنی که آنها عمدتاً علاقه ندارند گفت و گوی بین اجتماعات را تقویت کنند و به هرگونه تنوع و اختلاف عقیده داخلی بی‌توجهی می‌رسند. در این سیاست، اجتماع بر

اساس بعد ذات گرایی اش بازسازی و مرزهای دقیق بین اجتماعات ترسیم می‌شود. به عبارت دیگر، اجتماعی که توسط این مخاطبان پا به عرصه هستی می‌نهد، هم یکپارچه و هم یکپارچه کننده است و ابزار مبادله بین فرهنگی، درون فرهنگی یا تکثر فرهنگی را تأمین نمی‌کند. زود است که اکنون اقدام به نتیجه‌گیری کنیم زیرا تحلیل شکل‌های ارتباطی، تصویری نسبتاً متفاوت به دست می‌دهد.

### شکل‌های ارتباط

تحلیل شکل‌های ارتباطات منجر به ایجاد یک چالش می‌شود. تمام سایتها حاوی گنجینه‌ای از پیوندها هستند که هرگونه طبقه‌بندی صریح را ناممکن می‌سازد. طرح طبقه‌بندی این تحقیق، مقولاتی را در بر می‌گیرد که خود وب‌سایتها آن مقولات را در نظر گرفته‌اند و برای تضمین این که تمام پیوندهای پیش‌رو به گونه‌ای مناسب در یکی از مقولات قرار گیرند، مقولات مورد نیاز تدوین شده‌اند. در نهایت، طرحی به دست آمد که مقولات اخبار، اجتماع، تجارت، فرهنگ / سبک زندگی و ارتباطات سایر را در بر می‌گیرد.

اولین شکل ارتباطی، مجموعه‌ای وسیع از مطالب را پوشش می‌دهد که به اختصار در ذیل مقوله اخبار قرار می‌گیرد. اخبار وب‌سایتها شامل اخبار محلی و جهانی است که اغلب به صورت تأمین پیوندهایی برای خبرگزاریها یا سایر تسهیلات خبری آنلاین عرضه می‌شود. اخبار جهانی و محلی فقط اخبار مربوط به رویدادهای اجتماع را شامل می‌شود که در جهان یا محل زیست اجتماع، رخ می‌دهند. بدین ترتیب، سایت‌های برفی کالچر، بلک بریتین، بلک نت، سلام و یوکی ایزلامیک میژن، همه دارای بخشی حاوی مقالات خبری مربوط به اجتماع شان هستند. در اینجا، بعد فراملی اخبار سایت سلام جالب توجه است زیرا این سایت، دیتابیس قابل جست‌وجو و حاوی اخبار مربوط به کشورهایی با اکثریت مسلمان ارائه می‌کند. همچنین سایت بریتیش بورن چاینیز، یک بخش خبری دارد که شامل خبرهایی در مورد کشور چین و پراکندگی چینیها [در سطح جهان] است. مقوله اخبار بیشتر شامل سرمقاله، مقالات عقاید عمومی و گزارش‌هایی جامع است که در سایت‌های برفی، بلک بریتین، بریتیش بورن چاینیز، سلام و یوکی ایزلامیک میژن یافت می‌شوند. اخبار مربوط به سرگرمی و تفریح معطوف به بازیگران سیاه پوست، بخشی وسیع از سایت‌های بلک نت و بلک بریتین را به خود اختصاص داده است، در حالی که سایت‌های

برفی و کلیک والا به گونه‌ای گسترده به هنرپیشه‌ها و فیلم‌های بالی وود پرداخته‌اند و پیش‌نمایشها، نقدها و مصاحبه‌ها را برجسته کرده‌اند. افزون بر این، تمام سایتها از طریق پست الکترونیک خبرنامه‌ای به تمام مشترکان خود ارائه کرده‌اند که حاوی اطلاعات مورد علاقه اعضای اجتماع است. تأمین فهرستها یا یادداشتهای روزانه در مورد وقایع مربوط به اجتماع (شامل رشته‌ای از اطلاعاتی‌های مربوط به جشنواره‌ها تا فهرستهایی از تاریخ تولد اعضا و تأسیس باشگاه زنان مسلمان) خصیصه مشترک دیگر این مقوله است. رواج بخش اخبار در تمام وب سایتها بیانگر اهمیت و مرکزیت آن برای این درگاههای اجتماع است.

به نظر می‌رسد مقوله اخبار، کارکردی نزدیک به آن چیزی دارد که به طور سنتی در مطبوعات و رسانه‌های خبری وجود دارد: آگاه‌کننده، تأمین‌کننده تحلیل عمیق و یک خط‌مشی برای تفسیر و نظر ارائه‌کننده. در این زمینه، به نظر می‌رسد این درگاههای اجتماع از یک جهت، نقش کارگزاران تبلیغاتی را اجرا می‌کنند که این امر، مفهوم حوزه عمومی هابرماس (هابرماس، ۱۹۸۹ [۱۹۶۲]) و درک او از رسانه‌ها به عنوان کارگزاران تبلیغاتی (اقدام‌کنندگان به نمایندگی از اجتماع) را به یاد ما می‌آورد. اما درک هابرماس مبتنی بر جماعت یکپارچه یا جماعتی بود که بر پایه مشارکت همگانی در حوزه عمومی متحد خواهد شد. علی‌رغم ایده مفید فریزر (۱۹۹۲) در مورد ضد یا افسر عرصه‌های عمومی، هابرماس استدلال می‌کند که عرصه عمومی سیاسی مشترک و فراگیر برای سیاستهای داخلی، یک شرط اساسی است. از این نقطه نظر، به نظر می‌رسد وجود عرصه‌های عمومی جناحی و گسیخته (هرگونه تدارک جماعت یا اجتماع متفاوت) به خاص‌گرایی والدرون نزدیک‌تر باشد. بدین ترتیب، تهیه اخبار و کارکرد «رسانه‌های جمعی» این وب سایتها، تنگنای عام‌گرایی در مقابل خاص‌گرایی را به نمایش می‌گذارد.

دسته دوم پیوندها، مقوله ارتباطات مربوط به اجتماع است که در تمام وب سایتها مشترک و رایج هستند. این مقوله، مقوله کاربر یا بازدیدکننده هدایت شده است که در برگیرنده پیوندهایی برای عرصه‌هایی است که کاربران بتوانند نقش‌شان را ایفا کنند؛ این پیوندها شامل جلسه‌های بحث و اتاقهای گفت‌وگو، تبلیغ‌کنندگان شخصی، همچنین پیوندهای خارجی برای سایر سایتهای مورد علاقه و مرتبط است. جلسه‌های بحث و نظر در تمام سایتها مورد مطالعه (به جز سایت کلیک والا) تأمین می‌شود. در واقع، همه آنها مجموعه‌ای از بحثهای کما بیش پرتراوت ارائه می‌کنند که اغلب در زیر بخشهای گوناگون طبقه‌بندی می‌شوند. در حالی که جلسه‌های

بحث حول موضوع‌های «جدی» به وجود می‌آیند، اتاق‌های گفت‌وگو (موجود در سایتهای برفی کالچر و بلک نت) این امکان را بیشتر برای بحثهای غیر رسمی تر فراهم می‌کنند؛ نقشهای اتاق گفت‌وگو نیز خیلی مختصر هستند و اغلب رمزگذاری می‌شوند یا زبان نامفهوم رایج در بین کاربران تلفن همراه را مورد استفاده قرار می‌دهند. تأمین پیوندها برای سایتهای خارجی نیز مهم است؛ اکثر سایتهای محلی برای پیوندها دارند که کاربران می‌توانند پیوندهایی را به سایت‌های مورد علاقه‌شان بیابند. این سایتهای ناحیه‌ای دارند که کاربران می‌توانند پیوندهای شان را در آن جا عرضه کنند. سایت برفی کالچر یک استثنای قابل ملاحظه است که هرگز هیچ پیوند خارجی را ارائه نمی‌کند؛ به معنای دقیق کلمه، بلک نت فضایی را برای پیوندها ارائه نمی‌کند اما موتور جست‌وجویی دارد که سایتهای سیاه‌پوستان را جست‌وجو می‌کند. دو سایت چینیها با هم متحد شده‌اند و شبکه اینترنتی چاینا یو کی را ارائه می‌کنند. سرانجام، پاره‌ای از سایتهای، به گونه‌ای قابل ملاحظه سایتهای بلک بریتین و بلک نت، پیوندهایی را در مورد خدمات شخصی (مانند تعیین تاریخ آگهیها) ارائه می‌کنند که در آنجا کاربران می‌توانند شریک (همتا)های بالقوه خویش را جست‌وجو کنند.

به نظر می‌رسد که این شکل از ارتباطات که در اینجا به عنوان ارتباطات مربوط به اجتماع توصیف شده است، کارکردی دوگانه دارد: تأمین یک خط‌مشی برای بحث و به هم پیوستن اعضای اجتماع. در این خصوص، این درگاه‌ها اعضای پراکنده (متفرق) اجتماع را گرد هم می‌آورند و جلسه بحثی تهیه می‌کنند که افراد در آن جلسه‌ها می‌توانند همدیگر را «ملاقات کنند». در مقایسه با ارتباطات خبری «از بالا به پایین»، این یک ارتباط کاربر با کاربر است و دارای سایتهایی است که بیشتر به عنوان آژانسهای پیوند دهنده اعضای اجتماع عمل می‌کند. ارتباطات مبتنی بر گفت‌وگوی دو سویه شفاف می‌تواند با ارتباطات یک سویه اخبار مقایسه شود. افزون بر این، به نظر می‌رسد این خصیصه گفت‌وگویی، مدرکی علیه عناصر ذاتی سازی ضمنی تأمین می‌کند تا اعضای اجتماع را به عنوان مخاطب اولیه و اصلی تلقی کند. اعضای اجتماع می‌توانند با آزادی صحبت کنند و افکار و اطلاعات را مبادله کنند که این امر به طور ضمنی دلالت بر این دارد که اجتماعات تشکیل می‌شوند، تغییر می‌کنند، از یک موضع به موضعی دیگر حرکت می‌کنند و نیز مخالفت و استدلال می‌کنند. علاوه بر این، پیوستگی ضمنی در تأمین پیوندها برای سایر سایتهای اجتماع، به ایجاد یک شبکه در بین اعضای اجتماع اشاره می‌کند. به میزانی که همه افراد از این

نوع ارتباط بهره‌مند باشند. در اصل، امکان بهره‌مندی همه افراد از این نوع ارتباط فراهم است - و با فرض خصیصه گفت‌وگویی، می‌توان این وب‌سایتها را از نقطه نظر ابعاد ذات‌گرایانه، گروه‌بسته و جنبه‌های خاص‌گرایانه‌شان به‌عنوان وب‌سایت‌هایی مثبت تلقی کرد.

ارتباط تجاری، شکل سوم ارتباطات است که هم ارتباطات مربوط به امور تجاری را شامل می‌شود و هم ارتباطاتی را در بر می‌گیرد که کاربران یا بازدیدکنندگان را به‌عنوان مشتری یا مراجع تلقی می‌کند. این ارتباط شامل ارائه محصولات برای فروش یا خدمات برای دریافت دستمزد، تبلیغات برای تجارت، ارائه محصولات یا خدمات و مشاغل است. برفی کالچر تنها سایتی است که هیچ‌گونه ارتباط تجاری را ارائه نمی‌کند. دو سایت بلک بریتین و بلک نت پیوندی در مورد تجارت دارند که در واقع، پیوندی خارجی برای دو وب‌سایت بلک اینترپرایز

(<http://www.blackenterprise.com>) و بلک پروفشنال (<http://www.blackprofessional.co.uk>)

است. در حالی که چاینا تاون آنلاین جامع‌ترین اطلاعات مربوط به امور تجاری (مانند دفترچه راهنمای تجاری چین و اطلاعات مربوط به نحوه انجام فعالیت‌های تجاری این کشور) را ارائه می‌کند. عرضه و تقاضای مشاغل در سایت‌های بلک بریتین و سلام یافت می‌شود در حالی که مطالب تبلیغی در تمام سایتها، بجز سایت برفی کالچر، به نمایش در می‌آید. سایت‌های بلک بریتین، بلک نت و سلام بخش‌هایی طبقه‌بندی شده عرضه می‌کنند که در آنجا، کاربران می‌توانند تبلیغات طبقه‌بندی شده را به معرض نمایش بگذارند، در حالی که یوکی ایزلامیک میژن مجموعه‌ای مفصل از وب‌سایت‌های تجاری مسلمانان را عرضه می‌کند. اگر چه در مجموع، برفی کالچر از انجام معاملات تجاری اکراه دارد، این سایت دارای یک اتاق گفت‌وگو در مورد تجارت / فناوری است که چت‌کنندگان (گفت‌وگوکنندگان) می‌توانند در خواست‌های خرید [کالا یا خدمات] خویش را در آنجا مطرح کنند و / یا اقلامی را برای فروش عرضه کنند. در نهایت، خرید آنلاین [کالاها و خدمات] به‌وسیله سایت‌های چاینا تاون آنلاین و سلام عرضه می‌شود.

تمرکز بر قلمرو اقتصادی امری مهم است که با مسأله باز توزیع نیز ارتباط پیدا می‌کند. تأکید بر بازار آنلاین اجتماع، مسأله تقویت اقتصادی را خاطر نشان می‌کند که از مدت‌ها قبل در دستور جلسه سیاسی گروه‌های اقلیت قرار دارد. در این خصوص، این وب‌سایتها می‌کوشند تا پاره‌ای از نابرابریها و تبعیض‌های آفلاین پیش روی اعضای اجتماع را از طریق ایجاد بازار آنلاین نشان دهند. اهمیت و اعتبار ارتباطات تجاری - به موازات دو شکل پیشین ارتباطات (اخبار و

اجتماع) - به طور نسبی نشان می‌دهد که در مقایسه با خلق ادعاهای بازشناسی و کوششهای به عمل آمده برای گفت‌وگوی جامع‌تر با سایر اجتماعات (از جمله اجتماعات مسلط)، اهمیت بیشتری به خود تقویتی داده می‌شود. بدین ترتیب، در اینجا می‌توان استدلال کرد که اولویت‌دهی آشکار به برابری یا بازتوزیع در نوع تجاری ارتباط هویدا است.

هم اکنون این تأکید بر امور اقتصادی یا مادی به وسیله وجود همزمان نوعی از ارتباطات - که در این جا ارتباطات «فرهنگی» نامیده می‌شود تعدیل می‌شود. این ارتباطات شامل ارتباطات مربوط به امور فرهنگی، از جمله تاریخ و آموزش، مسائل مربوط به سبک زندگی و نیز امور روحی و مذهبی می‌شود. تمام وب سایتها این نوع ارتباطات فرهنگی را به کار می‌گیرند. سایت برفی کالچر مطلبی درباره ۱۰ نفر نخست فهرست افراد موفق و ناموفق آسیایی دارد که پژوهشی پیمایشی در باب «آسیاییها، سکس و مواد مخدر» و نیز «آسیاییها و جنگ» است. سایت بلک نت دارای چندین پیوند فرهنگی است که در برگزیده تاریخ سیاه پوستان، آموزش، سرزمین مادری (کشورهای آفریقایی)، زیبایی و مذهب است، در حالی که سایت بلک بریتین پیوندی به یک سایت وابسته دارد که به شیوه زندگی می‌پردازد (<http://www.live247.co.uk>). دو سایت چینی دست همکاری به یکدیگر داده‌اند تا مجموعه‌ای مشترک از پیوندها را در مورد فرهنگ چین مانند زبان، اسطوره‌ها، رسوم، تاریخ، جشنواره‌ها و غیره ارائه کنند؛ در همین حال، سایت چاینا تاون آنلاین مجموعه‌ای از پیوندها را در مورد شیوه زندگی چینها از قبیل فانگ شوای، ورزشهای رزمی، باغبانی و غیره عرضه می‌کند. سایت‌های سلام و یوکی اینلا میک میژن پیوندهایی مفصل در مورد امور مذهبی و روحی شامل نقل قولهای مذهبی، تاریخ و زندگی نامه‌های شخصیت‌های مسلمان ارائه می‌کند. سرانجام، سایت‌های مسلمانان یک پیوند مشاوره تعاملی عرضه می‌کنند که به موجب آن، کاربران می‌توانند از خدمات مشاوره‌ای بخش «از امام جماعت سؤال کنید» بهره‌مند شوند و یا تحت مشاوره متخصص امور مذهبی یا روان‌درمان مسلمان قرار گیرند.

روح چنین پیوندهایی نشان‌دهنده توجه آنها نسبت به این گونه اجتماعات است. این تأکید بر فرهنگ مشترک، مسأله بازشناسی پیش گفته را به طور صریح خاطر نشان می‌کند. به نظر می‌رسد این امر، تأکیدی است بر حفظ فرهنگ مشترک، اشاعه دانش مشترک و درک فرهنگ اجتماع، در همان حال که به عنوان حامیان این گونه میراث نیز عمل می‌کنند. به این معنا، این شکل از ارتباط مقدم بر شکل‌گیری هر گونه ادعاهای شناختی قرار می‌گیرد و باید به عنوان بخشی از فرایند تکوین



هویت تلقی شود. اگر این نکته قرین صحت باشد، این نکته حائز اهمیت خواهد بود که امکان پرسشگری یا شبهه افکنی در باب اطلاعات این سایتها وجود نداشته باشد. این گونه ارتباطات فرهنگی، آموزنده و در عین حال، «از بالا به پایین» [آمرانه و یک سویه] به نظر می‌رسد. بجز سایت برفی کالچر که دارای سبکی جوان‌گراتر و ساختاری تعاملی و کاربر محور است. به نظر می‌رسد که این وب سایتها در تلاش برای صیانت از انحصار فرهنگی‌شان و برجسته کردن آن، به رنج فرایندهای تکوین ذات گرایانه هویت مبتلا گشته‌اند.

آخرین نوع ارتباطات، ارتباط سایبر رایانه محور است. این شکل از ارتباط در برگیرنده چهار جنبه متفاوت است: بازیها، موتورهای جست‌وجو، انتقال (بارگذاری)ها و خدمات پست الکترونیک. تمام سایتها، یک یا چند نوع از خدمات این پیوندهای سایبر را عرضه می‌کنند. بازیهای آنلاین توسط بلک نت و چاینا تاون آنلاین ارائه می‌شود، در حالی که موتورهای جست‌وجوی داخلی به وسیله برفی کالچر، بلک بریتین، بلک نت، چاینا تاون آنلاین و سلام عرضه می‌شود، یک موتور جست‌وجوی شبکه عمومی نیز در بلک نت و بلک بریتین ارائه می‌شود. مجموعه‌ای مفصل از مطالب قابل انتقال توسط سلام تأمین می‌شود، در حالی که در بلک بریتین، چاینا تاون آنلاین، سلام و یوکی ایزلامیک میژن، کارتهای الکترونیک عرضه می‌شود. خدمات پست الکترونیک، تأمین حساب پست الکترونیک، فهرست ارسال کنندگان نامه و ارسال اطلاعات را به کاربران ارائه می‌کند. در سایتهای برفی کالچر، بلک بریتین، بلک نت، بریتیش بورن چاینیز، سلام و یوکی ایزلامیک میژن، خدمات پست الکترونیک رایگان نیز ارائه می‌شود. از همین رو، شگفت آور نیست که در این پژوهش، شکل اول یا سایر شکلهای ارتباطات سایبر، بخش کامل وبسایتها تحت مطالعه باشد.

تلقی این شکل از ارتباط به عنوان نتیجه صرف کاربرد فناوریهای نوین، موجب مغفول ماندن سهم آن در اجتماع خواهد شد. هر چند درگیری فناوریهای نوین در زندگی اجتماعی باید درک شود، رواج بحثهای مربوط به شکاف رقمی (ناابرابری دیجیتالی) و «فقرا اطلاعاتی»، حاکی از رابطه فزاینده فناوریهای نوین با مسأله عدالت اجتماعی است. از این چشم‌انداز، اشاعه «ارتباطات سایبر»، صرف نظر از محتوای آنها، می‌تواند به عنوان راهبردی برای نشان دادن سیاست نابرابر اطلاعاتی تلقی شود. در این خصوص، این شکل از ارتباطات می‌تواند به عنوان راهبردی برای قدرتمند شدن از طریق یادگیری و کاربرد فناوریهای نوین در نظر گرفته شود. و در عین حال،

عنصر نقش آفرین دیگری نیز در این جا وجود دارد: این شکل ارتباطی در بر گیرنده عنصری مهم از اشاعه است؛ کارتهای الکترونیک ارسال شده، ارسال نامه‌های پستهای الکترونیک، یا کاربرد حسابهای الکترونیک برای ارسال نامه‌های الکترونیک قابل ملاحظه است. این اشاعه فناوری می‌تواند به تکثیر وب سایتها در فضای سایبر و بازشناسی پسین آن توسط اعضای اجتماع و افراد دیگر ربط داده شود. به زبان ساده تر، اشاعه بیشتر یک وب سایت سبب می‌شود که مشهورتر شود و در نتیجه، کاربران بیشتری داشته باشد. این نوع از ارتباط به ادامه حیات وب سایتها بستگی دارد. اگر آنها قصد دارند که برای سیاست تکثرگرایی فرهنگی به‌طور راهبردی مورد استفاده قرار گیرند، ادامه حیاتشان امری سرنوشت ساز تلقی می‌شود. اما شاید به‌گونه‌ای مهم‌تر از لحاظ سیاست تکثرگرایی فرهنگی، حضور مستمر وب سایتهای اجتماع اقلیت یا درگاههای فضای سایبر برای ادعاهای بازشناسی امری حیاتی است زیرا قابلیت رؤیت مستمرشان را تضمین می‌کند. چیزی که در اصل به‌عنوان تلاش برای ادامه حیات آنلاین جلوه می‌کند، الزاماتی مهم برای تدوین و حمایت از ادعاهای سیاسی بعدی دارد.

تمام شکلهای ارتباطی در بر دارنده تمایلات ذات‌گرایانه و خاص‌گرایانه هستند. این امر در مورد اخبار و ارتباطات فرهنگی آشکارتر است و شاید در مورد راهبردهای قدرتمند شدن که هدفشان از میان برداشتن نابرابریهاست، کمتر بعرض باشد، همچنان‌که این امر در مورد تجارت و ارتباطات سایبر نیز صدق می‌کند. که فقط به‌طور بالقوه از طریق شکل ارتباطات گفت‌وگویی اجتماع جبران می‌شود. افزون بر این، به نظر می‌رسد که ادعاهای بازشناسی فقط به‌طور ضمنی در شکل فرهنگی ارتباطات نشان داده می‌شود، یافته‌ای قابل مقایسه با یافته‌های پیشین که به موجب آنها، این درگاهها در اصل، اعضای اجتماع را نشان می‌دهند. از منظر سیاست تکثر فرهنگی، این شکلهای ارتباطی با سهیم شدن در خلق قلمروهای بسته یک گروه کارآمد (که جهت‌گیریشان به سمت داخل اجتماع است)، تنگناهای تکثرگرایی فرهنگی آنلاین را به معرض نمایش می‌گذارند. در اکثر موارد، این اجتماع همان‌گونه که مجموعه‌ای از علایق مشترک (اخبار)، تجربیات و شیوه زندگی مشترک (فرهنگ) و منافع مشترک (تجارت) را توزیع می‌کند، به نوبت بازسازی می‌شود.

## کاربران

شناسایی کسانی که از این سایتها استفاده می‌کنند، آسان و قابل درک نیست. این بخش از تحلیل تجربی کوشیده است تا اطلاعات را از طریق آنچه در سایتها عرضه می‌شود (یا به‌طور مستقیم به‌عنوان اطلاعات مربوط به کاربران، یا به‌طور غیرمستقیم از طریق توجه به جلسه‌های بحث به‌منظور اخذ ایده از کاربر اصلی سایتها) گردآوری کند.

سایت‌هایی که اطلاعات عددی در مورد کاربران خود دارند عبارتند از: یو کی ایرلامیک میژن با ۲۳۳۳ کاربر ثبت شده، برفی کالچر با ۵۰۰۰ کاربر و بریتیش بورن چاینیز با ۳۱۸۶ کاربر. کلیک‌والا و سلام گزارش می‌دهند که ۱۰۰۰۰ مشترک دارند؛ بلکه بریتین عضویت نامعلوم دارد، در حالی که چاینا تاون آنلاین و بلک نت دارای استفاده آزاد هستند و اصلاً ثبت نام ندارند، بدین وسیله ردیابی کاربران دشوار می‌شود. سایت سلام نمودارهایی مفصل در باب جمعیت ارائه می‌دهد اما این اطلاعات به سن، جنسیت و اشتغال محدود می‌شود، در حالی که آن پر درخواستهای صفحه به‌عنوان واحد سنجش ترافیک تأکید می‌کند. شرح حال کاربر مشابه به‌وسیله بلک بریتین برای آگهی دهندگان بالقوه عرضه می‌شود.

قابل توجه‌ترین مسأله این است که هیچ‌گونه اطلاعاتی در مورد ترکیب قومی واقعی کاربران تأمین نمی‌شود. به نظر می‌رسد که این امر دلالت بر این دارد که یا چنین اطلاعاتی به موضوع مربوط نیستند یا آن که کاربران همگن هستند و ضرورتی هم ندارد که در این مورد چیزی گفته شود. با وجود این، بررسی دقیق تر کاربران، تصویر متفاوتی را نشان می‌دهد. نخست این که، یک عنصر فراملی مهم وجود دارد؛ دوم این که، افراد خارج از اجتماع در جلسه‌های بحث مشارکت دارند یا از این بحثها استفاده می‌کنند؛ و سوم این که، تمایزی داخلی در بین اعضای اجتماع وجود دارد. نشانه‌هایی فراوان در تمام این سایتها وجود دارد که نشان می‌دهد آنها به‌طور فراملی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ بلکه بریتین کاربرانی از کانادا و امریکا دارد، بلک نت از امریکا، برفی کالچر از کانادا، اروپا و امریکا، بریتیش بورن چاینیز کاربرانی از چین، هنگ‌کنگ، هلند و امریکا دارد، چاینا تاون آنلاین کاربرانی از چین، هنگ‌کنگ و تایوان دارد، برخی از کاربران فراملی سلام از هند، مکزیک و امارات متحده عربی هستند، در حالی که یو کی ایرلامیک میژن کاربرانی از فرانسه، پاکستان و اسپانیا دارد.

دیگر این که، نشانه‌ای وجود دارد حاکی از این که اعضای خارج از اجتماع سایتها را مورد

استفاده قرار می دهند: کاربران غیرسیاه پوست در بلک نت و بلک بریتین یافت می شوند، کاربران غیر مسلمان در سلام و یوکی ایزلامیک میزن، کاربران غیر چینی در بریتیش بورن چاینیز و چاینا تاون آنلاین و کاربران غیر آسیایی در برفی کالچر. در همین حال، اگرچه اکثر کاربران خارج از اجتماع، کاربران واقعی هستند، نشانه هایی نیز وجود دارد حاکی از این که کاربران دو آتشفشان نژاد پرست در بلک نت و کاربران اسلام هراس در سلام وجود دارند.

افزون بر این، نشانه هایی فراوان وجود دارد حاکی از این که درون کاربران اجتماع از لحاظ ترکیب و نیز شیوه زندگی و عقیده تنوع وجود دارد. بخش شرح برفی کالچر کاربرانی با زمینه های مذهبی متفاوت را نشان می دهد در حالی که تنوع مذهبی در کلیک والا نیز وجود دارد؛ این سایت اطلاعاتی در باب تمام جشنواره های مهم مذهبی و فرهنگی هندوها، مسلمانان و سیکها فراهم می کند. بلک نت کاربرانی دارد که خودشان را «نژاد مختلط» می نامند و بخش قرار ملاقات سایت بلک بریتین (زیر عنوان «وان لاو») امکان ملاقات کاربران هم جنس گرا (مردان و زنان هم جنس گرا) با یکدیگر را فراهم می کند، چاینا تاون آنلاین دارای کاربران چینی هاکا و مسیحی است و بریتیش بورن چاینیز دارای کاربران هاکا و نیز کاربرانی با دیدگاه های سیاسی مخالف است؛ اختلافات سیاسی در سلام و یوکی ایزلامیک میزن نیز یافت می شوند، در این سایتها کاربرانی وجود دارند که خودشان را به عنوان سوسیالیست یا طرفدار یک دولت اسلامی معرفی می کنند. سرانجام، در پاره ای از سایتها جنسیت یک مسأله است به گونه ای که در بلک نت جلسه های بحث جداگانه مختص زنان و مردان وجود دارد، یوکی ایزلامیک میزن سیستم کورنر دارد و بریتین بورن چاینیز دارای بخش «بین» برای زنان است.

اطلاعات مربوط به کاربران، دشواریهای پیش روی هرگونه نتیجه گیری روشن را نشان می دهد. در حالی که شکل های ارتباطی و مخاطبان وب سایتها دارای جهت گیری داخلی هستند، نظر کاربران، این جنبه داخلی را متزلزل می کند و آن را به سطوحی متفاوت تجزیه می کند. ملاحظه شد که ممکن است کاربران، عضو اجتماع نباشند و این امر حاکی از آن است که اگر چه این کاربران به هیچ شیوه مهمی، به طور مستقیم مورد خطاب قرار نمی گیرند، با کسانی که گوش می ایستند (استراق سمع کنندگان) - گرچه بیشتر وقتها منفعل هستند - به شیوه ای مؤثر یا حتی به گونه ای آشکار، مشارکتی خصمانه دارند. این وضعیت به وب سایتها خصیصه ای می دهد که بازتر و عمومی تر از استنتاجهای ناشی از بررسی مخاطبان و شکل های ارتباطی است. افزون بر این،

ملاحظه شد که ممکن است کاربران از مکانهای جغرافیایی کاملاً متفاوتی به سایتها مراجعه کنند و به وسیله این سایتها گرد هم آیند. این امر موجب پیدایش چند مسأله نظری در خصوص کارکرد آنلاین وب سایتها (به عنوان گردآورنده اجتماعات پراکنده) می شود - اقدامی که در حقیقت، حالت معکوس پراکندگی است. سرانجام، تنوع داخلی اجتماع از لحاظ قومیت، مذهب، جنسیت و عقیده مستقیماً به نظریه های غیرذات گرایانه مربوط می شود.

با اصلاح ذات گرایي مذکور در تحلیل مخاطبان و شکل های ارتباط، این یافته ها با تحلیل ارائه شده در باب مخاطبان و شکل های ارتباطی این وب سایتها، متناقض به نظر می رسد. اکنون این ذات گرایي و تحقق مجدد تنگناهای فرهنگی دو مقوله نخست (تحلیل مخاطبان و شکل های ارتباط)، واقعیتی است که در راستای تنگناهای فرهنگی مقوله کاربران قرار دارد. به عبارت دیگر، با تمام این تنگناهای تکثرگرایي فرهنگی به صورت آنلاین مواجه می شویم. بدین ترتیب، به جای این نتیجه گیری که بینشهای به دست آمده از طریق بررسی کاربران، استنتاجهایی صحیح یا حقیقی هستند، اجرای آنلاین تنگناها به این معنی است که تنش مداوم بین آنها، شرط همیشگی امکان تحقق سیاست تکثرگرایي فرهنگی است. این استدلال در بخش نتیجه بیشتر توضیح داده می شود.

### نتیجه گیری

جدول (۱) خلاصه ای از یافته های رایج و تفسیر مخاطره آمیز موجود در تحلیل را ارائه می دهد. تنگناهای تکثرگرایي فرهنگی مورد بحث در این مقاله عبارتند از: عام گرایي در مقابل خاص گرایي؛ ذات گرایي در مقابل تغییرپذیری؛ و بازشناسی در مقابل بازتوزیع. تمام این تنگناها به جنبه های متفاوت چالشهای جوامع مبتنی بر تکثرگرایي فرهنگی و درگیر با مسأله کلی تر با هم زیستن، می پردازند. در خاتمه شایان ذکر است که آنچه در معرض خطر است، در واقع، تکثرگرایي فرهنگی یا به تعبیر وربنز «تخیل سیاسی ناهمگنی» است (۲۷۶: ۲۰۰۲). به معنای دقیق کلمه، این امر حیاتی است که تکثرگرایي فرهنگی، باز، تخیلی و به گونه ای متفاوت قابل تصور باقی بماند و هر گونه راه حلی در زمینه رفع مشکل یا تعطیلی فعالیتهای اقلیتهای، موقتی باشد. از این منظر، یافته های آشکارا متناقض این مطالعه می تواند معقول باشد.

امکان ارائه شده به وسیله درگاههای اینترنت به منظور مشاهده شکلی از سیاست تکثرگرایي فرهنگی (که به عنوان اتفاقات داخلی اجتماعات و اتفاقات بین اجتماعات درک می شود)، فرصتی

بی‌نظیر برای مشاهده این سیاست در وضعیت یکنواختی‌اش عرضه می‌کند. - قابل مقایسه با قوم‌نگاریهای انجام شده توسط انسان‌شناسان اما با تأکید بر توصیف و درک رفتار سیاسی، نه اجتماعات خاص. مشخص شد که این وب‌سایتها، هنگامی که به‌طور عمده و در درجه اول، اجتماع خودشان را مخاطب قرار می‌دهند، سیاست خاص‌گرایی را با هدف متمایز کردن اجتماع خود از اجتماعات دیگر به‌اجرا در می‌آورند. آن دسته از شکل‌های ارتباطی که نمایانگر این اجتماع هستند، تصویری مختلط شامل عناصر خاص‌گرایی و ذات‌گرایی و نیز عناصری از گفت‌وگو، عرضه می‌کنند، به گونه‌ای که این عمل به‌عنوان اجرای سیاست سازش تلقی شده است. نوید رهایی از تنگناهای تکثرگرایی فرهنگی، در تنوع فراوان کاربران این وب‌سایت‌ها نیز مشاهده می‌شود. دیدگاه کاربران، یکی از آن مواردی است که حد و مرزهای تعیین شده در داخل یک اجتماع یا در بین اجتماعات مختلف را به گونه‌ای آشکار مراعات نمی‌کند؛ در واقع با انجام چنین کاری، به نظر می‌رسد با سیاست خاص‌گرایی و ذات‌رایی مخالفت می‌کند. اما عدم رعایت حدود مرزها به‌طور ضمنی بر نادیده گرفتن تفاوتها دلالت دارد و تشکیل نوعی اجتماع مرزبندی شده به‌وسیله گفت‌وگوی ملازم با عام‌گرایی هابرماسی را خاطر نشان می‌کند. در این صورت، دیدگاه کاربر حاکی از اجرای سیاست عام‌گرایی است و تنگناهای تکثرگرایی فرهنگی را حل نمی‌کند (یا نمی‌تواند حل کند).

بنابراین، از جنبه‌های فراوان، یافته‌سرنوشت‌ساز این است که تعطیلی تحمیلی یا اجرا شده به‌وسیله این وب‌سایتها، توسط کاربران دچار تغییر و تزلزل می‌شود. به بیان استوارت هال (۱۹۸۰)، اگر لحظه «رمزگذاری» بر آن است که یک منطق هویتی را از طریق مخاطب قرار دادن اجتماعی منفرد، تحمیل کند، هر گونه تفاوت را از میان بردارد و بیگانه‌ها را طرد کند یا آنها را نادیده بگیرد، منطق سایبر اسپیس، چنین حرکتی را به گونه‌ای عملی تضعیف می‌کند. عمومیت رسانه، فقدان وضعیت ثابت آن، اشاعه گسترده آن و قابلیت دسترسی به تمام افرادی که ارتباط اینترنتی را به‌کار می‌گیرند و به‌ویژه خصیصه تعاملی آن (که امکانات و ابزارهای مشارکت را ارائه می‌کند)، این منطق هویتی و حرکت به سمت تعطیلی را متزلزل می‌کند. از یک سو، مشاهده این وضعیت به‌عنوان امری آشکارا مثبت و رضایت‌بخش، یکی از مزمن‌ترین تنگناهای تکثرگرایی فرهنگی را نادیده خواهد گرفت: تنگنای خاص‌گرایی که به انزوا و تفرقه می‌انجامد و تنگنای عام‌گرایی که در نهایت، تمام تفاوتها را نفی می‌کند. از سوی دیگر، تلقی این تمایلات مخالف به‌عنوان عوامل

نفی‌کننده یکدیگر، نقش مهم اینترنت (که به‌طور دقیق عامل توانمندکننده تحقق این سیاست است) را در سیاست تکثرگرایی فرهنگی نادیده خواهد گرفت - دست کم تا آنجا که مذاکرات مستمر بین قطب‌های مخالف و عناصر متناقض داخلی، تکثرگرایی فرهنگی را توانمند می‌کند.

بدین ترتیب، اجرای سیاست تکثرگرایی فرهنگی آنلاین ممکن است دوباره تمام تنگناهای آن را پدید در آورد، اما با انجام چنین کاری، درگیری مستمر بین قرائتهای متفاوت ناهمگنی سیاسی خیالی (غیر واقعی) را خاطر نشان می‌کند. درست همین درگیری است که سعه صدر و بدین ترتیب، وجود دایمی سیاست تکثرگرایی فرهنگی را تضمین می‌کند. دست کم تا جایی که این سیاست به‌عنوان ایجادکننده تعارض ملازم با زندگی در جماعتها درک می‌شود (نگاه کنید به موفه، ۲۰۰۰). بجز این درگیری و مواضع متعارض، تکثرگرایی فرهنگی در یک یا چند راه‌حل ترجیحی حل خواهد شد و به‌عام‌گرای، خاص‌گرای، بازتوزیع یا هر کدام از این قطب‌های مخالف بغرنج تبدیل می‌شود. - این بدان معنی است که درگیری بین مسائل متفاوت و راه‌حلهای ارائه شده، ایجاب‌کننده انواع تکثرگرایی فرهنگی است که شرط محتمل تحقق سیاست تکثر فرهنگی است - بدون آن، سیاست تکثرگرایی فرهنگی نمی‌تواند وجود داشته باشد. اما برای این که چنین درگیری‌ای به‌عنوان امری باز و دموکراتیک باقی بماند، تمام ابعاد تنگناها باید همیشه در اجرای سیاست تکثرگرایی فرهنگی و عمومیت (رواج، استیلا) یکی بر دیگران موقتی باشد.

برای مشاهده تنگناهای تکثرگرایی فرهنگی، وقتی آنها به اوج خود می‌رسند، - مانند مسأله پوشیدن روسری‌ها در اماکن عمومی - و یک راه‌حل و یک بستر (تعطیلی) موقتی تقاضا می‌شود، نظریه‌های سیاسی هدایت تکثرگرایی فرهنگی روزانه یا یکنواخت‌تر را نادیده می‌گیرند که شخص می‌تواند درگیری مستمر بین دریافتهای متفاوت از زندگی ما را مشاهده کند. تأکید بر این شکل یکنواخت‌تر سیاست، ضرورت یک راه‌حل را تغییر می‌دهد و ارزیابی (شناخت) درگیری را ممکن می‌سازد؛ عناصری که آن را ایجاد می‌کند و شیوه‌هایی که به موجب آن، آنها به گونه‌ای غیرقابل تفکیک با شکل‌گیری سیاست تکثرگرایی پیوند می‌یابند. بدین ترتیب، به‌جای انکار اهداف سیاسی نهایی شان، درگاه‌های اجتماعات در تردیدشان (نوسان) از یک هدف به هدف دیگر، از تداوم تحقق سیاست تکثرگرایی فرهنگی حفاظت می‌کند. در این مورد، به‌نظر می‌رسد قابلیت‌های فناورانه که وب‌سایتها را قادر می‌سازد که دارای رابطه یک طرفه یا تعاملی باشند، به‌طور خاص هدف‌گیری کنند یا به‌طور عام در دسترس باشند و یک فضا را در اختیار بگیرند اما به یک مکان

مقید نشوند، به طور خاص برای سیاست تکثرگرایی فرهنگی مناسب باشد. □

جدول (۱) خلاصه تحلیل تجربی

مقولات تحلیلی	جماعت‌های بیان شده	طرز شکل‌های ارتباط	کاربران
	اجتماع کلی	اخبار (اطلاعاتی)	افراد فراملی خارج از اجتماع
		اجتماع (گفت و گوی)	
یافته‌ها	کسب و کار	کسب و کار (ابزاری)	اعضای اجتماع که از لحاظ مکان، جنسیت، قومیت و حق انتخاب متفاوت هستند.
		فرهنگ (یکپارچه ساز آموزنده)	
		سایر (ابزاری)	
		کسب و کار و نشانی‌های سایر	
		نابرابری / مسائل مربوط به بازتوزیع	
تأکید بر تفسیر	برتری اجتماع مربوط به ارتباط، عام‌گرای را دوباره به اجرا در می‌آورد ( ننگنای عام‌گرای)	مرزهای فرهنگی ایجاد شده	اصلاح عملگرایی به وسیله مخاطبان و شکل‌های ارتباط
		تفاوت‌های مخاطبان / ادعاهای مربوط به بازشناسی	
		انتخابی که به سمت داخل جهت‌گیری می‌شود	تنوع داخلی و مرزهایی قابل انعطاف که بر درگیری و گفت و گوی مستمر دلالت دارد
		گفت و گوی اجتماع، ذات‌گرایی ضمنی تمام شکل‌های ارتباط را به طور بالقوه جبران می‌کند	



- Butler, J. (1998) 'Merely Cultural', *New Left Review* 227(Jan. Feb.): 33-44.
- Cantle, T. (2001) *Building Cohesive Communities: A Report of the Ministerial Group on Public Order and Community Cohesion*. London: Home Office. [Available at: <http://www.homeoffice.gov.uk/docs/pocc.pdf>]
- Chan-Olmsted, S.M. and J.S. Park (2000) 'From On-Air to On-Line World: Examining the Content and Structures of Broadcast TV Stations' Websites', *Journalism and Mass Communication Quarterly* 77(2): 321-39.
- Fraser, N. (1992) 'Rethinking the Public Sphere: A Contribution to the Critique of Actually Existing Democracy', in C. Calhoun (ed.) *Habermas and the Public Sphere*, pp. 109-42. Cambridge, MA: MIT Press.
- Fraser, N. (1997) *Justice Interruptus: Critical Reflections on the 'Post-Socialist' Condition*. New York: Routledge.
- Fraser, N. (2000) 'Rethinking Recognition', *New Left Review* 2(3): 107-20.
- Fraser, N. (2001) 'Recognition Without Ethics?', *Theory, Culture & Society* 18(2-3): 21-42.
- Fraser, N. and A. Honneth (2003) *Redistribution or Recognition? A Political-Philosophical Exchange*. London: Verso.
- Habermas, J. (1989[1962]) *The Structural Transformation of the Public Sphere*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Habermas, J. (1994) 'Struggles for Recognition in the Democratic Constitutional State', in C. Taylor and A. Gutman (eds) *Multiculturalism: Examining the Politics of Recognition*, pp. 107-45. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- si a pera : mult i c u l t u r a l i s m o n l i n e
- Habermas, J. (1998) *The Inclusion of the Other*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Hall, S. (1980) 'Encoding/Decoding', in S. Hall, D. Hobson, A. Lowe and P. Willis (eds) *Culture, Media, Language*, pp. 128-38. London: Hutchinson.
- Mouffe, C. (1999) 'Deliberative Democracy or Agonistic Pluralism', *Social Research* 66(3): 745-58.
- Mouffe, C. (2000) *The Democratic Paradox*. London: Verso.
- Office of National Statistics (2005a) General Population Statistics, April 2001. [Accessed 31 October 2005: <http://www.statistics.gov.uk/cci/nugget.asp?id=764>]
- Office of National Statistics (2005b) Religion statistics, April 2001. [Accessed 31 October 2005: <http://www.statistics.gov.uk/cci/nugget.asp?id=293>]
- Parekh, B. (2000) *The Future of Multi-Ethnic Britain*. London: Runnymede Trust.
- Taylor, C. (1994[1992]) 'Multiculturalism and the Politics of Recognition', in C. Taylor and A. Gutman (eds) *Multiculturalism: Examining the Politics of Recognition*, pp. 107-45. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Tully, J. (1999) 'The Agonic Freedom of Citizens', *Economy and Society* 28(2): 161-82.
- Tully, J. (2000) 'Struggles Over Recognition and Distribution', *Constellations* 7(4): 469-81.
- Waldron, J. (1999) *Law and Disagreement*. Oxford: Clarendon Press.
- Warner, M. (2002) *Publics and Counterpublics*. New York: Zone.
- Werbner, P. (2002) *Imagined Diasporas Among Manchester Muslims: The Public*

*Performance of Pakistani Transnational Identity Politics*. Oxford: Currey.

Yar, M. (2001) 'Beyond Nancy Fraser's Perspectival Dualism', *Economy and Society* 30(3): 288–303.

Young, I. (1997) 'Unruly Categories: A Critique of Nancy Fraser's Dual Systems Theory', *New Left Review* 222(Mar.–Apr.): 147–61.

#### **Biographical note**

Eugenia Siapera is a lecturer in Media and Communications at the University of Leicester. She has been a Marie Curie Fellow at the University of Amsterdam and Visiting Research Fellow at the Amsterdam School of Communications Research (ASCoR). Her research interests include social and political theory and the media, intermedia relationships, the internet and multiculturalism, religion and/in the public sphere. Recent publications include a co-edited volume (with Joss Hands), *At the Interface: Continuity and Transformation in Culture and Politics* (Rodopi, 2004). Currently she is preparing another co-edited volume (with Lincoln Dahlberg), *Radical Democracy and the Internet* (forthcoming 2007, Palgrave/Macmillan). address: Centre for Mass Communications Research, University of Leicester, University Road, Leicester, LE1 7RH, UK. [email: eugenia\_siapera@yahoo.co.uk]

24

European Journal of Cultural Studies 9 (1)

#### **Biographical note**

Eugenia Siapera is a lecturer in Media and Communications at the University of Leicester. She has been a Marie Curie Fellow at the University of Amsterdam and Visiting Research Fellow at the Amsterdam School of Communications Research (ASCoR). Her research interests include social and political theory and the media, intermedia relationships, the internet and multiculturalism, religion and/in the public sphere. Recent publications include a co-edited volume (with Joss Hands), *At the Interface: Continuity and Transformation in Culture and Politics* (Rodopi, 2004). Currently she is preparing another co-edited volume (with Lincoln Dahlberg), *Radical Democracy and the Internet* (forthcoming 2007, Palgrave/Macmillan). address: Centre for Mass Communications Research, University of Leicester, University Road, Leicester, LE1 7RH, UK. [email: eugenia\_siapera@yahoo.co.uk]